



یادداشتی کوتاه بر گنجینه بهارستان

ادبیات فارسی - ۱، چ ۱۳۸۰



* عصمت اسماعیلی

بهارستان» از قابل توجه‌ترین و برخی از مهم‌ترین این آثار یاد شود که به علت قلت صفحات در اندازه یک کتاب و یک تصحیح مستقل نبوده‌اند، اما شایستگی چاپ و انتشار و توجه اهل ادب را دارند. و آیا شانزده رساله معرفی شده در این دفتر، دارای این شرط مهم هستند؟ برای مثال آثار میرزا محمد طاهر وحید قزوینی که در این دفتر، دو رساله از او با تصحیح سرکار خانم اخوان فرد گنجانده شده، با سایر آثاری وی به طور جداگانه با یک تحقیق و مقدمه سبک شناختی نمی‌تواند به شکل یک تصحیح و کتاب مستقل چاپ شود؟^۱ و اگر جواب مثبت است و یقیناً اگر کسی چنین تحقیقی را به انجام رساند، رساله‌های فتح‌نامه قندهار و وصف آلات جنگ را نیز در آن مجموعه خواهد آورد، پس ۶۰ صفحه از این مجموعه می‌توانست به معرفی و تصحیح آثار کوچک‌تری نظیر تعلق گیرد که این مکان را نداشته باشد.

به نظر می‌رسد که انتخاب آثار منتشره در این دفتر خیر الموجودین نبوده و تنها آثار آماده و تصحیح شده را شامل شده است، که در این روزگار گرانی و کمبود تولیدات فرهنگی جای گله همچنان باقی است و نکته مهم این است که آیا عزیزان گرداننده مجموعه گنجینه بهارستان با ارزش گذاری بر نسخه‌های خطی و اهمیت دادن به موضوعات بکر و طرح نشده مؤلفان مشهور که آثاری از آنان هنوز شناسایی و چاپ نشده است در میان فهرست نه چندان محدود نسخه‌های خطی موجود در گنجینه غنی کتابخانه مجلس این رساله‌ها را جهت چاپ در اولین شماره ادبیات از مجموعه گنجینه بهارستان انتخاب کرده‌اند و یا از کارهای انجام شده و در دسترس پیشنهادی تعدادی را انتخاب کرده‌اند. و مهم‌تر اینکه در آینده نیز قرار نیست که با شناسایی

گر گله از ماست، شکایت بگوی

ور گنه از توست، غرامت بیار

سعدی

مجموعه گنجینه بهارستان، مجموعه ارزشمندی است که کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی بر انتشار آن همت گماشته تا گوشه اندکی از گنجینه میراث مکتوب فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی، مکشوف همگان گردد، و غبار گذشت اعصار و قرون از سیمای این زیباییان عالم معنا و سخن زدوده شود و الحق این مجموعه اگر با چنین هدفی آماده انتشار می‌شود، بسیار موفق بوده است. مجموعه گنجینه بهارستان با موضوعات واحدی کنار هم گذاشته می‌شود و هر کدام از آنها علاوه بر نام کلی (گنجینه بهارستان) قرار است عنوان فرعی نیز با توجه به موضوع داشته باشند که «ادبیات فارسی» از جمله آن موضوعات فرعی این عنوان کلی است که شماره یک آن در آستانه سال ۱۳۸۰ به دست علاقه‌مندان رسید.

بی‌گمان قلمرو ادبیات فارسی از پر تصنیف‌ترین و پر تألیف‌ترین قلمروهای علوم انسانی است که نسخه‌های خطی فراوانی از آثار متعلق به این قلمرو، هنوز به زیور چاپ و انتشار آراسته نشده‌اند. در کتابخانه‌های قدیمی و مرجع ما در ایران آثار خطی متعددی در این زمینه وجود دارد که غور و تعمق در آنها کوشش خستگی‌ناپذیر ملتی بزرگ را برای حفظ فرهنگ و زبان خویش و می‌نمایاند.

اما غرض از این یادآوری این است که در کتابخانه ارزشمند مجلس شورای اسلامی و تالار نسخه‌های خطی آن چه بسیاری از آن آثار که شایسته معرفی و تحقیق اند و انتظار می‌رفت در نخستین شماره ادبیات فارسی «گنجینه

* دکترای زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

نسخه‌های بی‌بدیل و پیشنهاد تصحیح آن به محققان و مصححان خوش ذوق جوان و یا محققان و دانشمندان سابقه‌دار عرصه تحقیق و تصحیح، نسبت به معرفی و انتشار آن نسخه‌ها اقدام کند. و همچنان کار را به دست انتخاب تصادفی و پیشنهاد از طرف مصحح بسپارند.

امانکته دیگر اینکه ادبیات فارسی، بوستان رنگارنگی است که هر گلی از آن رنگ و بوی دیگری دارد. و در حوزه هر کدام از انواع ادبی، آثار چاپ نشده فراوانی است که به گردآورندگان آثار ادبی امکان می‌دهد که در زیر مجموعه هر کدام از موضوعات و انواع ادبی، دسته‌بندی را رعایت کرده و آثار یک‌دستی را بگنجانند. در زمینه تصحیح این آثار نیز چنین امکانی وجود دارد، مثلاً در مجموعه گنجینه بهارستان در زمینه ادبیات فارسی یک شماره می‌تواند به کلیات ادبی و یا صنایع شعری (عروض، بیان، بدیع) و... اختصاص یابد و در نتیجه این مجموعه را از حالت کشکول و جنگ خارج سازد و آنها را برای پژوهشگران و محققان قابل استفاده‌تر کند.

نکته سومی که بر این گله صمیمانه می‌توانم، بیفزایم این است که یقیناً برخی از آثار تصحیح شده و انتشار یافته، نسخه‌های دیگری در کتابخانه ملک یا دانشگاه تهران دارند و از آنجا که احتمالاً اقبال چاپ و تصحیح دگرباره نصیب این آثار نخواهد شد، بهتر است که ضمن محور و اساس قراردادن نسخه‌های موجود در مجلس که شرط قبول انتشار آثار تصحیح شده در این مجموعه است، مصححین محترم نیم نظری هم به نسخه‌های دیگری از این آثار در کتابخانه‌های دانشگاه و ملک و... داشته باشند^۲ تا باز هم در این گرانی کاغذ و کتاب از دوباره کاری و تصحیح‌های دیگر با اساس قراردادن نسخه کتابخانه‌ای دیگر جلوگیری شود.

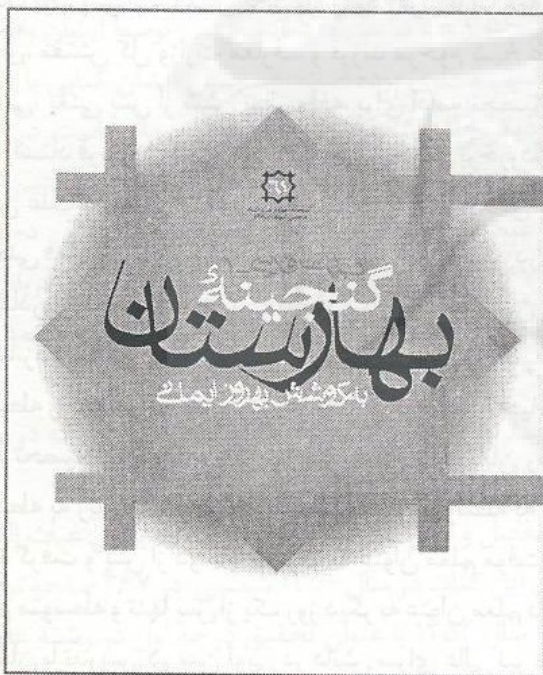
البته ممکن است واقعاً بر اساس مقدمه بیان شده در ابتدای برخی از این تصحیح‌ها، نسخه کتابخانه مجلس منحصر و تنها نسخه شناخته شده باشد که این موضوع در مورد بقیه آثار نیز بایست محقق و مشخص می‌گشت.

در میان ۱۶ رساله چاپ شده در این مجموعه، تنها پنج اثر با استفاده از نسخه‌های کتابخانه‌های دیگر (ملی، تبریز، دانشگاه تهران) نیز تصحیح شده است و باقی آثار تنها با استفاده از نسخه‌های متعلق به مجلس (دو نسخه یا سه نسخه) تصحیح شده‌اند و سه اثر نیز تنها از یک نسخه بازنویسی و تحریر شده‌اند که اطلاق نام تصحیح بر آنها دشوار می‌نماید.

و برخی از آثار منتشره، ابتدایی‌ترین روش‌های تصحیح و

گزارش نسخه بدل و نیز معرفی کامل نسخه‌ها و ذکر روش تصحیح و علت ترجیح نسخه اساس به نسخه بدل و یا حتی معرفی نسخه اساس را در بر ندارند. و در اغلب موارد، نسخه اساس واحد در کل رساله ذکر نشده و کار ذوقی و تلفیقی است.

در مقدمه رساله یوسف و زلیخای ترشیزی دوست و همکار ارجمند آقای محدث، سه نسخه از اثر را معرفی کرده‌اند، در حالی که در تصحیح، تنها از دو نسخه استفاده شده است. و امکان دسترسی به نسخه‌ای در کتابخانه داخل کشور فراهم نشده است و از طرفی مشخص نیست که چرا رونویسی کننده اثر مصحح آن است و نه کسی که کار اصلی، یعنی مقابله نسخه‌ها و گزارش نسخه بدل‌ها را انجام داده است و یا هر دو نفر که به کمک هم کار ارزشمند تصحیح این رساله را به انجام رسانده‌اند، مصححان اثر معرفی نشده‌اند؟ با وجود مسائلی از آن دست که گفته شد، نگارنده هنوز با دیگر دوستان پژوهشگر و محقق، متفق القول است که کار ارزشمندی در حال انجام است و امیدواریم ادامه‌دار و پایدار باشد و برای دست اندرکاران این مجموعه، آرزوی توفیق و خیر داریم.



پی‌نوشت

۱. همچنان در متن کتاب مصحح به این موضوع اشاره کرده است. ر ک: گنجینه بهارستان، ادبیات فارسی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۲.
۲. گر چه مدیر مجموعه در مقدمه «گنجینه بهارستان» چنین امری را متعذر فرض کرده‌اند، ولی نگارنده معتقد است لااقل می‌توان نسخ را معرفی کرد.